

دیوان داعی دزنوئی

سید عبداللہ داعی دزنوئی
(۱۲۵۶-۱۱۵۸ ق)

بہ اہتمام، تصحیح و مقدمہ
محمد حسین حکمت فر حسین نصیر باغبان

The Divan of daee dezfuli

seyed abdollah daee dezfuly

With Cooperation, Correction and Introduction

Hossein Nasirbagheban
and
Mohammad Hossein Hekmatfar



دیوان داعی دزفولی

سید عبدالله داعی دزفولی

به اهتمام، تصحیح و مقدمه

محمدحسین حکمت فر حسین نصیرباغبان

ناشر

انتشارات دارالمومنین

- سرشناسه : داعی دزفولی، سید عبدالله، ۱۱۵۸ - ۱۲۵۶ .
- عنوان و نام پدیدآور : دیوان داعی دزفولی
- مشخصات نشر : دزفول: دارالمؤمنین، ۱۳۹۴.
- مشخصات ظاهری : ۸۷۰ ص.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۶۱-۲۹-۸
- وضعیت فهرست نویسی : فیای مختصر
- یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
- شناسه افزوده : حکمت فر، محمدحسین، ۱۳۳۲ -
- شناسه افزوده : نصیر باغبان، حسین، ۱۳۶۵ -
- شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۱۹۱۰۰

دیوان داعی دزفولی

مؤلف : سید عبدالله داعی دزفولی

به اهتمام و مقدمه : محمد حسین حکمت فر - حسین

نصیرباغبان انتشارات دارالمؤمنین

نشانی ناشر : دزفول - خیابان حریت بین ایثار و مفتوح پلاک ۱۴

کد پستی : ۰۹۱۶۱۴۱۸۰۴۹ همراه ۶۴۶۱۶۵۷۷۴۴

طراح رایانه ای : مهندس محمد پورنعمت

تیراژ : ۵۰۰ جلد

چاپ اول : ۱۳۹۴

چاپخانه : انور

قیمت : ۷۵۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۱۶۱ - ۲۹ - ۸

(کلیه حقوق برای انتشارات دارالمؤمنین محفوظ است)



فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۱	پیش سخن
۱۵	تصاویر
۳۷	دیوان داعی دزفولی
۳۹	مقدمه دیوان یا «رساله مسمی به تاریخ مظهرالدوله»
۳۹	در حمد الهی
۴۶	در مدح و منقبت رسول الله (ص)
۴۸	در مدح امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب - علیه السلام -
۵۱	در مقدمه تألیف کتاب
۵۴	در مدح سلطان وقت فتحعلی شاه قاجار
۵۶	در مدح و شایستگی میرزا محمدعلی دولتشاه
۶۱	در تبویب دیوان
۶۹	قصاید
۷۱	قصیده در مدح اسد الله الغالب علی بن ابی طالب - صلوات الله علیه -
	قصیده مسمی به قصیده الهامی در مدح بارگاه عرش اشتباه سید الوصیین
	امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب - صلوات الله و سلامه علیه و اولاده
۷۵	المعصومین -
	قصیده مشهور به مستجاب و استغاثه به خاتم النبیین و شافع یوم الدین و بعد به اسد الله
۸۲	الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب - صلوات الله علیه و آله الطاهرین -
	متمم قصیده ای که در مدح اسد الله الغالب وصی رسول الله علی بن ابی طالب
۸۶	- صلوات الله علیه و اولاده اجمعین -

- قصیده مسمّی به قصیدهٔ عید غدیر خم و تهنیت و مبارک باد جلوس میمنت
 مانوس اسدالله الغالب کلّ غالب امیرالمومنین و وصیّ خاتم المرسلین علی بن
 ابی طالب-صلوات الله علیه- بر تخت فیروز بخت خلافت، به امر خدا و رسول
 ۸۸ دو سرا-صلوات الله علیه و اولاده اجمعین-
- قصیده در جواب میرزا ابوالقاسم قائم مقام-نائب السلطنه- به خصوص مولی الکونین و
 ۹۵ ابالحسین-وصی رسول الله- علی ابن ابی طالب-صلوات الله علیه و اولاده اجمعین-
- مخمس قصیده فرزدق در مدح سیّد السّاجدین و ائمه الطّاهرین-صلوات الله
 ۱۰۰ علیه و علیهم اجمعین-
- قصیده در مدح بندگان نواب کامیاب شاهزادهٔ اعظم -خَلَدَ اللهُ مُلْكُهُ وَعَدَّائَتَهُ-
 ۱۰۴ قصیده بهاریات در جواب صباحی
- ۱۰۸ قصیده در مدح شاهزادهٔ اعظم در جواب قصیده حکیم رودکی
- ۱۱۲ قصیده مشعّر بر شکوه از راه کیالان و صعوبت نشیب و فراز آن
- ۱۱۵ قصیده در جواب سید محمد عرفی شیرازی و میرزا طوفان
- ۱۱۷ قصیده ردیف آفتاب در مدح نواب اشرف کامیاب سپهر رکاب شاهزادهٔ اعظم
- ۱۲۰ تاریخ شادروان بند شوشر که ثانی اثنین سدّ اسکندری می باشد حسب الامر قدر قدر
 ۱۲۳ بندگان سکندر شان اشرف شاهزادهٔ خیال به سلک و نظم در آمده
- ۱۲۹ جواب قصیدهٔ حاج سلیمان صباحی
- ۱۳۰ قصیده مسکت نمای غیر مسکت در جواب جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی و
 خاقانی شروانی
- ۱۳۰ قصیده ردیف دوزخ که در خصوص حرارت هوای سرطان در دزفول گفته و
 ۱۳۳ نوشته شد
- قصیده در جواب صباحی مشعّر بر مدح ندیم و شاهزادهٔ اعظم و احوالات خود
 ۱۳۵ و شکوه از مهاجرت و قدری دگر او مشعّر بر تعریف شاهزاده و ندیم مزبور معاً

- در نزول مطر بعد از پاس از الطاف خالق اکبر و میامن قدوم ظفر لزوم شاهزاده
 ۱۴۲ عدل گستر
- ۱۴۶ قصیده در مدح بندگان سکندرشأن اشرف اقدس اعظم شاهزاده جم اقتدار
 تاریخ زلزله دزفول که از غرایب اتفاقات واقع شده و الی حال کسی چنان
 ۱۵۰ زلزله ای ندیده
- تاریخ خرابی زلزله مزبوره بقعه شریفه سلطان الاولیاء صاحب کشف و
 ۱۵۴ الکرامات الجلی مهد السلطان سید علی - علیه الرحمه -
 تاریخ بنای قلعه و عمارات و باغ و انهار مزرعه که بندگان بیگلربیگی آنها را
 ۱۵۶ بنا و احداث و همان مزرعه را مسمی به صالح آباد نموده
 قصیده مشعر بر مدح و تواریخ متعدده به خصوص بعضی از حکام ذوی العز و
 ۱۶۳ الاحترام
 قصیده مشعر بر مدح و تاریخ صدور رقم قضا شیم حکومت و ورود بندگان
 ۱۶۴ معدلت توأم
 قصیده موعوده متضمن تواریخ معروضه این است - والله الموفق و علیه
 ۱۶۶ الإستهانه -
 تجدید مطلع و تاریخ دوم و تاریخ ورود
 ۱۶۷ تجدید مطلع سیوم و استخراج تاریخ ورود از معنی نام نامی
 ۱۶۸ در بیان ورود عساکر ظفر مآثر در رکاب نصرت مآب نواب سکندرشأن
 شاهزاده اعظم عالم و عالمیان به خوزستان و دزفول را مقرر کوبه اجلال و
 ۱۷۰ چند روزی برای شکار و نخجیر توقف در آنجا فرمودند
 ۱۷۷ قصیده در مدح نواب سکندر شأن شاهزاده اعظم - خلد الله ملکه -
 قصیده شکار و نخجیر و بهاریات شاهزاده سکندرشأن محمدحسین میرزا
 ۱۸۱ -مد ظلّه الأعلی -

- قصیده بهاریات در مدح نواب اشرف کامیاب محمد حسین میرزا
 ۱۸۵ -مدّ ظلّه الأعلیٰ -
- قصیده که در خصوص مدح بندگان سکندرشان شاهزاده اعظم محمد حسین
 ۱۸۷ میرزا-خلد الله ملکه -
- قصیده در جواب آقا سید احمد هاتف به خصوص بندگان سکندرشان
 ۱۹۴ شاهزاده اعظم محمد حسین میرزا-دام ظلّه الأعلیٰ - به سلک نظم در آمده
- تصرفی که در قصیده مرقومه بحر نون قلمی شده سابقاً برای ...
 ۲۰۰
- قصیده بندگان نواب جم اقتدار، محمد حسین میرزا-مدّ ظلّه الأعلیٰ - که به
 ۲۰۰ صنایع شعریّه و فصاحت کلامیه به سلک نظم در آمده
- قصیده مشعر بر مدح تحریر الزّمان و علّامة الدّوران، فضل المجتهدین العصر و
 الأوان سید السّادات فی العالم، حجة الاسلام آقا سید محمدباقر^۱ -سَلّمه الله
 تعالی و دامت افاضاتها السّامیه- و تعریف مسجدی که جناب معظم الیه خود
 در اصفهان بنا نموده و تمام کرده-جزاه الله خیر جزاء فی الدّارین بحقّ محمّد
 و علیّ و صیّ الرّسول الثّقلین و آلّه الطّاهرین سیّما الحسن و الحسین و لعنة الله
 ۲۰۲ علی اعدائهم اجمعین -
- قصیده که در جواب قصیده زندیه تصرف شده برای معتمد الدّوله
 ۲۱۰ قصیده جدید که در مدح وصیّ رسول الله و حجة الله امام الثّقلین علی ابن ابی
 طالب-صلوات الله علیه و اولاده اجمعین - گفته شده
 ۲۱۰
- قصیده ای که در اوقات معزولی نواب حشمت الدّوله العلیّه گفته شده
 ۲۱۶
- قصیده ای که به خصوص بعضی امرای ذوی الاقتدار گفته شده
 ۲۱۹
- قصیده در مدح شاهزاده اعظم گفته شده
 ۲۲۱
- ایضاً ملحق به قصیده بحر نون که در دیوان ثبت است
 ۲۲۵

^۱-منظور ناظم حجت الاسلام سید محمدباقر شفتی اصفهانی است که استادش بوده است.

- ۲۲۶ ایضاً ملحق به قصیده بحر دال
- ۲۲۶ ملحق به قصیده مسطوره بحر دال که در دیوان است
- ۲۲۶ ملحق به قصیده بحر نون نوروزی که در دیوان ثبت است در جواب آذر و هاتف
- ۲۲۷ قصیده در تعریف شاهزاده اعظم
- ۲۲۸ تصرفی که در قصیده مر قومه وزیر شده مجملی این است
- ۲۳۰ تصرفی دیگر که در قصیده مزبوره شده باز قلمی می شود
- ۲۳۱ الی آخره که قبل مفصلاً مذکور شد
- ایضاً تصرفی دیگر که در قصیده مذکوره که مطلع او این است و مسطور است
- ۲۳۱ واقع شده
- ۲۳۲ در شکوه نمودن از حرکات و اقوال بعضی به ممدوح خود - رحمت الله علیه
- ۲۳۳ متمم و ملحق به قصیده بحر را که در دیوان ثبت است گفته شده
- ۲۳۳ قصیده
- جواب قصیده آذر که به خصوص نواب کامیاب اشرف اعلی، ولی النعم
- جهان و جهانیان، دارای زمین و زمان، مالک رقاب الأمم، شاهزاده محمد
- ۲۳۴ حسین میرزا - مدّ ظلّه الأعلی -
- قصیده که در خصوص مدح نواب مالک الرقاب ولی النعم حسب الأمر
- ۲۳۹ خودش در جواب سلمان ساوجی گفته شده
- ۲۴۱ متمم بعضی از قصاید عروسی
- متمم قصیده ای که در دیوان مسطور است و این فقره در آنجا ملحق است و
- ۲۴۳ ارتباط کلام بر فطن خبیر پوشیده نخواهد بود
- ۲۴۳ ایضاً متمم قصیده که در اینجا مسطور است بر فطن خبیر پوشیده نخواهد بود
- ۲۴۶ مطلع و حسن مطلع در قصیده مرقومه
- ۲۴۶ قصیده در مذمت هوای وبایی و فوت بگلرییکی از آن گفته شده
- ۲۴۶ قصیده ای که به خصوص نواب معتمد الدوله گفته شده

- ۲۴۷ قصیده در مدح معتمد الدوله
- ۲۵۱ در تسخیر هرات و گزارش آن حدود و وقایع ایام محاصره
 متمم اشعار قصیده مذکور تسخیر هرات که خبر ثانیاً به این نوع رسیده به نظم
- ۲۵۵ در آمده
- قصیده در تهنیت و مبارک باد نوروزی با مراسم ذکر جای خالی و لوازم
 خلوصیت و اخلاص به خصوص وزیر ارسطو نظیر آصف جاه مقرب
 الحضرت الخاقانی به سلک نظم در آمده
- ۲۵۵ در مذمت یکی از حکام بیدادگر گفته شده
- ۲۵۹ قصیده ای جدید در جلوس میمنت مانوس و تاریخ آن در مدح پادشاه جمجاه
 اسلام پناه محمد شاه قاجار - خلد الله سلطنته و عدالته -
- ۲۶۲ تاریخ فوت شاه علین آرامگاه سدره مقام طوبی جایگاه السلطان المغفور
 المرحوم فتحعلی شاه قاجار - نور الله مرقده بانواع رحمته -
- ۲۶۷ در مدح حشمت الدوله
- ۲۶۹ قصیده در لشکر کشی حشمت الدوله به بروجرد
- ۲۷۱ قصیده جدید که مدح شاهزاده جم اقتدار گفته شده
- ۲۷۴ مخمس یک بیت از قصیده فرزددق در اینجا گفته شده
- ۲۸۲ قصیده ای که در جواب مولانا محتشم کاشی گفته شده
- ۲۸۲ متمم قصیده ای که باز در دیوان مسطور است به همین قافیه
- ۲۸۴ قصیده
- مرثیه که باکیا خرنیا در خصوص پسر کوچک خود که به صدمه وبا و طاعون
 فوت شده گفته شده؛ مرثیه برای پسرزاده
- ۲۸۵ بند دویم مرثیه
- ۲۸۶ تاریخ جشن و عروسی شاهزاده اعظم که حسب الأمرش گفته شده
- ۲۸۷ متمم بعضی از قصائد مرقومه
- ۲۹۱

- ۲۹۲ متمم بعضی از قصائد مرقومه
- ۲۹۲ ایضا
- ۲۹۲ قصیده ای که در مدح یکی از حکام گفته شده و به شوشتر فرستاده شده
- ۲۹۳ قصیده در جواب ملا امیدی طهرانی گفته شده
- و نیز قصیده مختصری است از سید عبدالله [داعی] که بعد از اتمام دفعه اولی
- ۲۹۳ بند خاقان تنظیم فرموده اند
- ۲۹۵ **غزلیات**
- ۲۹۷ جواب غزل شاهزاده اعظم حسب الامر همایون اشرفش به نظم در آمد
- ۲۹۷ جواب غزل فاضل شوشتی و غیره من الشعراء المعاصر
- ۲۹۸ جواب غزل عاشق اصفهانی که مختص عاشق معشوق پیشه است
- ۲۹۸ غزل جواب لسان الغیب خواجه حافظ شیرازی
- ۲۹۹ غزل جواب رفیق اصفهانی
- ۲۹۹ غزل
- ۳۰۰ غزل
- ۳۰۱ غزل
- ۳۰۲ غزل
- ۳۰۳ غزل در جواب میرزا ابوطالب کلیم کاشانی
- ۳۰۴ غزلی که در تعریف نرگس حسب الامر همایون اشرف شاهزاده اعظم به نظم در آمد
- ۳۰۵ غزل
- غزلی که به تعریف نرگس های بزم ارم نظم نواب اسکندرشان شاهزاده اعظم
- ۳۰۶ حسب الامر قدر قدر به نظم در آمد
- ۳۰۷ جواب غزل خواجه حافظ شیرازی
- ۳۰۸ غزل
- ۳۰۹ غزل در جواب بندگان اسکندرشان شاهزاده اعظم حسب الامر قدر قدر

- ۳۱۰ غزل در جواب لسان الغیب حافظ شیرازی - رحمه الله علیه -
- ۳۱۱ متمم غزل جواب خواجه در اینجا مسطور است
- غزل مشعر بر اقرار گناهان و معاصی خود و مراتب روسیاهی خود به درگاه
- ۳۱۱ جناب احدیت
- ۳۱۳ متمم غزل مناجات در بحر سین گفته شده و در دیوان ثبت است
- ۳۱۳ غزل در جواب میر مشتاق اصفهانی
- غزلی که حسب الخواش بعضی از اعیان معاصرین به تجدید مطالع متعدده
- ۳۱۴ منتظم شده
- ۳۱۵ غزل حسب الخواش بعضی از معاصرین
- ۳۱۵ غزلی که به حسب الخواش بعضی از مستوفیان عظام، گفته شده
- غزلی که حسب الأمر همایون اشرف شاهزاده اعظم در جواب غزل خودش،
- ۳۱۶ حسب الأمر قدر قدرش گفته شده
- ۳۱۷ غزل در جواب لسان الغیب خواجه حافظ شیرازی - علیه الرحمه -
- ۳۱۸ غزلی که حسب الخواش بعضی از ظرفای معاصرین گفته شده
- ۳۱۸ غزل
- ۳۱۹ غزل
- ۳۱۹ غزل
- ۳۲۰ غزل
- ۳۲۱ غزل هشت پاره که حسب الخواش از بعضی معاصرین گفته شده
- ۳۲۲ تضمین غزل خواجه حافظ شیرازی برای انواع اطعمه و مأکولات
- ۳۲۵ تضمین غزل خواجه حافظ شیرازی به انواع مأکولات
- ۳۲۶ غزلی که جدید گفته شده
- ۳۲۶ غزل
- ۳۲۷ غزل در جواب آذر

۳۲۸	غزل در جواب میرزا صائب
۳۲۹	غزل در جواب عاشق اصفهانی و غیره
۳۳۰	غزل در جواب میرزا صائب
۳۳۰	غزل
۳۳۱	غزل در جواب عاشق اصفهانی
۳۳۱	غزل در جواب خواجه حافظ
۳۳۲	غزل
۳۳۳	غزل در جواب ملّا جامی
۳۳۴	غزل در جواب سید احمد هاتف اصفهانی
۳۳۴	غزل
۳۳۵	غزل
۳۳۵	غزل جدید
۳۳۶	غزل
۳۳۷	غزل در جواب وفا
۳۳۷	غزل
۳۳۸	غزل
۳۳۸	غزل در جواب شیخ سعدی شیرازی
۳۳۹	غزل در جواب میرزا صائب
۳۴۰	غزل در جواب کلیم
۳۴۱	غزل در جواب محمد قلی بیگ سلیم
۳۴۱	غزل
۳۴۲	غزل
۳۴۲	غزل
۳۴۲	غزل

- ۳۴۳ غزل
- ۳۴۳ غزل
- ۳۴۴ غزلی که حسب الخواہش امیرزادۂ اعظم گفته شدہ
- ۳۴۵ غزل دربارہ ظلم مستوفی
- ۳۴۶ غزل
- ۳۴۷ غزل
- ۳۴۷ غزل جدید
- ۳۴۸ غزل
- ۳۴۹ غزل
- ۳۴۹ غزل
- ۳۵۰ غزل جدید کہ بہ خصوص جواب خواجہ حافظ شیرازی گفته شدہ
- ۳۵۱ غزل
- ۳۵۲ غزل
- ۳۵۳ غزل
- ۳۵۳ غزل
- ۳۵۴ غزل جدید کہ حسب الخواہش بعضی امرا گفته شدہ
- ۳۵۴ ایضاً مطلع ثانی مع حسن مطلع و غیرہ برای غزل مزبور
- ۳۵۵ غزل
- ۳۵۵ غزل
- ۳۵۶ غزلی کہ بہ خصوص دزفول گفته شدہ
- ۳۵۶ غزل در جواب خواجہ حافظ
- ۳۵۷ غزلی کہ در جواب محمد قلی بیگ سلیم گفته شدہ
- ۳۵۷ ایضاً مطلع دیگر در غزل ماکولات
- ۳۵۸ غزلی کہ حسب الأمر شاہزادۂ اعظم در ماکولات گفته شدہ

- ۳۵۸ ایضاً غزلی که هم وزن با غزل مأكولات مرقومه است گفته شده
- ۳۵۹ غزل در تعریف شهرالله الأعظم الأصمّ ماه رمضان المبارک گفته شده
- غزلی که حسب الأمر نواب مغفرت پناه جنت و نعيم آرامگاه - انار الله برهانه -
گفته شده
- ۳۶۰
- ۳۶۱ غزل
- ۳۶۱ غزل
- ۳۶۲ غزل جای خالی خان که به خدمتش فرستاده شده
- ۳۶۲ غزلی که در جواب حزين حسب الأمر شاهزاده اعظم گفته شده
- ۳۶۳ غزل
- ۳۶۳ غزل در جواب شيخ سعدی
- ۳۶۴ غزل
- ۳۶۵ غزل جای خالی نواب خان
- ۳۶۵ غزل حسب الخواش شاهزاده
- ۳۶۶ غزلی که حسب الخواش بسیاری از امرا و ظرفا گفته شده
- ۳۶۶ غزل در جواب خواجه حافظ
- ۳۶۷ غزل مشهور به ذو احتمالین
- ۳۶۸ غزل
- ۳۶۸ غزل
- ۳۶۹ غزل در جواب بهرام سقای هندی
- ۳۷۰ دو بیت غزل
- ۳۷۰ غزل حسب الأمر شاهزاده
- ۳۷۲ ایضاً غزل حسب الأمر شاهزاده
- ۳۷۳ غزل
- ۳۷۳ قدری از غزل

- ۳۷۴ غزل در احوال خود گوید
- ۳۷۵ غزل
- ۳۷۵ غزل
- ۳۷۶ در مدح بعضی از حکام
- ۳۷۷ غزلی که در جواب غزل لسان الغیب شیرازی گفته شده
- ۳۷۸ در جواب غزل عارف تبریزی میرزا صائب خالی از اشکال نیست گفته شده
- ۳۷۹ غزلی که حسب الأمر وزیر ارسطو تخمیر گفته شده
- ۳۸۰ غزلی که در جواب میرزا طوفان هزار جریبی مازندرانی گفته شده
- ۳۸۱ غزل در جواب مولانا شمس تبریزی گفته شده
- ۳۸۲ غزل در جواب لسان الغیب خواجه حافظ شیرازی گفته شده
- ۳۸۲ غزلی که جدید گفته شده
- ۳۸۳ غزل جواب شیخ سعدی
- ۳۸۴ ایضاً غزل در جواب شیخ سعدی
- ۳۸۵ ایضاً غزل در جواب شیخ سعدی
- ۳۸۶ غزل
- ۳۸۷ در جواب کلیم
- ۳۸۷ غزلی که حسب الأمر بعضی امرای دارالمرز گفته شده
- ۳۸۸ غزلی که حسب الأمر بندگان خلد آشیان نواب سکندر شاهزاده گفته شده
- ۳۸۸ غزل که حسب الأمر ملّا باشی سرکار همایون گفته شده
- ۳۸۹ غزل
- ۳۸۹ غزلی در جواب میرزا صائب تبریزی گفته شده
- ۳۹۰ غزلی که در جواب شیخ سعدی حسب الأمر شاهزاده اعظم گفته شده
- غزلی که به خصوص حفظ ... او را گفته بود و مستدعی این شد که این یک
- ۳۹۱ بیت غزل شود که از میانه نرود؛ لهذا حقیر او را غزل نموده

- ۳۹۲ غزلی که حسب الخواش میرزا صفا گفته شده
- ۳۹۳ غزلی که به حسب الخواش بعضی از ظرفا گفته شده
- ۳۹۳ غزل در جواب میرزا ابوطالب کلیم
- ۳۹۴ غزلی که به حسب الامر ندیم شاهزاده گفته شده
- ۳۹۴ غزل در جواب خواجه
- ۳۹۵ غزلی که حسب الخواش افضل الفضلا ملّا باشی گفته شده
- ۳۹۵ غزلی که حسب الخواش امیرزاده اعظم گفته شده
- ۳۹۵ ایضاً غزلی که حسب الخواش امیرزاده اعظم گفته شده
- ۳۹۶ غزلی که حسب الخواش امیرزاده اعظم گفته شده
- ۳۹۶ غزل حسب الامر بعضی از امراء گفته شده
- ۳۹۷ غزل که به خدمت جالینوس زمان حاج نادعلی در هند روانه شد
- ۳۹۸ غزلی در وصف غذا
- ۳۹۹ غزل در اغذیه
- این مصرع را یکی از اعیان امارت بنیان گفته، خواش نمود که او را غزل
قطعه نمایم، حقیر آن را غزل قطعه ای نمودم؛ این است: «بلبل باغ ارم کبک
خرامان من»
- ۴۰۰
- ۴۰۱ غزل در مدح یکی از شاهزادگان
- ۴۰۲ غزل به خصوص جای خالی بندگان ... خان
- ۴۰۴ غزل در مأکولات
- ۴۰۵ غزل
- این غزلی است که تقسیم شده: دو بیت او برای تعریف نسیم دو بیت دیگر
برای تعریف قاصد دو بیت در تعریف مکتوب دو بیت در مذمت هجر و وفور
شوق و اشتیاق جدید گفته شده
- ۴۰۷

- غزلی که به سبیل پیشکش رقم عاطفت شیم نواب معتمد به خدمت فلک
 ۴۰۸ رفعت ایشان فرستاده این است
- ۴۰۹ غزل جدید
- ۴۰۹ غزل
- ۴۱۰ غزل
- غزل که به خصوص خواهش شاهزاده محمود از بروجرد مکتوب فرستاده و
 ۴۱۰ گفته شده
- ۴۱۲ ایضاً غزلی که به خصوص شاهزاده محمود گفته شده
- ۴۱۲ غزل
- ۴۱۳ غزل
- ۴۱۴ غزل
- ۴۱۸ غزلی که حسب الأمر شاه گفته شده
- ۴۱۹ غزل
- ۴۲۰ مطلع غزل
- ۴۲۱ غزل
- ۴۲۱ غزل در جواب ولی دشت بیاضی
- ۴۲۲ غزل
- ۴۲۳ غزل
- ۴۲۴ غزل
- ۴۲۴ غزل
- ۴۲۵ غزلی که حسب الخواش بعضی از امرا گفته شده
- ۴۲۵ تضمین غزل خود که سابق بر این در جواب خواجه حافظ شیرازی گفته بودم
- ۴۲۶ غزل

- غزلی که حسب الخواہش سردار به این وزن و قافیه در مضامین امر نموده
 ۴۲۷ گفته شده
- غزل
 ۴۲۷ غزلی که در جواب یغمای جندقی حسب الأمر بعضی از شاهزادگان عظام
 ۴۲۹ گفته شده
- غزل جدید که به حسب الخواہش بعضی امرا گفته شده
 ۴۳۱ غزل
 ۴۳۱ غزلی که حسب الخواہش شاهزادۀ سکندر جاه محمود میرزا گفته شده
 ۴۳۳ غزلی جدید که در جواب غزل مخفی گفته شده
 ۴۳۴ غزل در جواب میرزا صائب تبریزی گفته شده
 ۴۳۵ غزل در جواب خواجه حافظ شیرازی گفته شده
 ۴۳۵ غزل قدیم که حسب الخواہش از مقرران در گاه آسمان جاه گفته شد
 ۴۳۶ غزلی که به حسب الأمر نواب سکندرشان حسام السلطنه در جواب غزل
 ۴۳۷ شاهزاده محمود گفته شده
- بندگان سکندر شان شاهزاده محمود غزلی برای حقیر گفته [و] فرستاده، حقیر
 ۴۳۸ ناظم در جوابش این غزل را گفته و به خدمتش فرستاده
 ۴۳۹ غزل
 ۴۳۹ غزل در جواب غزل میرزا صایب تبریزی
 ۴۴۰ غزل جواب سرمد هندی
 ۴۴۰ غزل حسب الامر ملّا باشی
 ۴۴۱ در شکوه از جعفر طحّان به شاهزادۀ جمجاء و از اتفاقات نیامدن شاهزاده
 ۴۴۲ در هجو و مذمت گوید
 ۴۴۴ در مردن مرکوب خود که مسمّی به حیسّه گوید
 ۴۴۴ مذمت دستور انامی

- ۴۴۵ متمم مرثیه ای که سابق بر این نیز قلمی شده
- ۴۴۵ غزل مطلع و حسن مطلع
- ۴۴۵ بدون عنوان
- ۴۴۶ متفرقه
- ۴۴۷ غزل
- ۴۵۰ به خصوص هجای طویل القامه ای گفته شده
- ۴۵۰ مطلع دیگر
- ۴۵۰ مطلع
- ۴۵۱ غزل
- ۴۵۱ غزل
- ۴۵۳ مثنویات
- ۴۵۶ در تعریف رودخانه دزفول
- ۴۵۷ آغاز مدح گستری و ستایش گری
- ۴۵۷ در ذکر مقدمه جناغ بستن و کیفیت وقوع آن
- در بیان ظهور کیفیت شراب غرور و مستی دولت خیالی که به فرض برون از
خمخانه خواطر خویشتن به ساغر دماغ می رسید و اظهار رضامندی از بخت پر
مکر و فن و جفاهای او را بحل کردن به عوض این که این اکرام را به اتمام و
نشاط تمامی باده مرام که در ایاغ جناغ اند به ذائقه و کام حرام نسازد
- ۴۵۹
- ۴۶۲ در متمم ذکر باده مرد افکن غرور و بی وفایی عروس دولت و باختن جناغ از غفلت
- ۴۶۴ در ذکر سبب و علت باختن و از اوج کامرانی به حضيض ناکامی افتادن
- در ذکر وقایع و گزارش بعد از باختن جناغ و انقضای مجلس و بر بستر غم تنها
ماندن و از وفور درد و محن بی خوابی کشیدن و شکوه از هر جهت نمودن
- ۴۶۶
- ۴۶۷ در بیان شکوه از بخت خویشتن و بی وفایی و نارسایی او
- ۴۶۸ در بیان شکوه از شب و مکر و غدر او

- ۴۶۸ در بیان شکوه از سبعة سیاره که آباء علوی و موثرات عالم سفلی اند
- ۴۷۲ در اختتام مدح گویی و مقالات خاتمه
- مثنوی بهاریات در مدح و تعریف بندگان سکندرشان نواب مالک رقاب
- ۴۷۴ شاهزاده اعظم - مد ظله العالی - گفته شده
- ۴۷۸ مثنوی داعی
- ۴۷۹ وقوع وبا در بین نظم همین مثنوی در سنه ۱۲۳۷ قمری
- ۴۸۷ ابتدای مدح پیغمبر
- ۴۸۸ ابتدای مدح وصی رسول الله علی بن ابی طالب - صلوات الله و سلامه -
- ۴۸۹ در مدح چهارده معصوم - صلوات الله علیهم اجمعین -
- ۴۹۰ مثنوی
- ۴۹۲ مثنوی در بیان احوال خود
- در مذمت راستی، و مدح کجی که امری مشکل اند به مضامین بکری که در
- ۴۹۵ این میدان کسی پا نگذاشته و فی الحقیقه همه مضامین بکرنند
- ۴۹۶ مرثیه برادر زاده خود
- ۴۹۷ مثنوی
- حسب الخواش یکی از اعیان ذی شأن هجو حاج حاجی بدیلی که قابل هجو
- ۴۹۹ نبود گفته شد
- صورت عریضه ای که به نظم در آمده و به خدمت دو شاهزاده والا تبار در
- ۴۹۹ یک عریضه فرستاده شده
- عریضه ای که در خصوص وزیر عدیم النّظیر گفته و روانه بروجرد شده، مشعر
- ۵۰۲ بر تسلی بعد از شکست
- ۵۰۴ مثنوی در مذمت قاضی
- ۵۰۵ در مدح عالیجاهان سرداران کثیر الاقتدار گفته شده
- ۵۰۶ مثنوی

قطعه در خصوص یوسف آوردن در بازار و جوش خریداران و عاشق شدن

۵۰۹

بیوه زال کهنسال و میل خریداری او در جواب ملّا جامی

قطعه جدید خلاف مشهور که می گویند هر جنس در معدن ارزان است و

۵۱۰

حال اینکه این قطعه مثبت غیر از این است

۵۱۲

و این قطعه را نیز به علت مناسب مقام گفته و روانه نموده قطعه مرسوله

۵۱۳

قطعه در مذمت دویی که در ظاهر و باطن بدتر از آن چیزی نیست

۵۱۴

قطعه در تعریف منقل و آتش به موسم زمستان که مطلوب ترین همه شب است

قطعه که در خصوص پوستین که به یکی از امراء عدالت آیین که قلمی و

۵۱۵

منتظم شده بود

قطعه ای که به خصوص حواله پول دیوان به وزیر عالی جاه، مخدومی میرزا

۵۱۶

محمدحسین نوری به سلک نظم در آمده

قطعه ای که به خصوص پسر نا اهلی که پدرش او را نصیحت بسیار می کرد و

۵۱۷

او عکس و ضد آن ها را به عمل می آورد

۵۱۸

تاریخ برج همایون مبارک شاهزاده سکندرشان اعظم که در دزفول بنا شده

۵۱۹

قطعه در مذمت ریزش سقف شوادان های شوشر و اطراف به نوع بیان واقع

۵۱۹

قطعه که بعد از تکدر داعی ناظم از دزفول که به شوشر رفته بود

قطعه سوال و جوابی که فیما بین داعی-ناظم- و بعضی از رفقای معاصرین

۵۲۰

اتفاق شده

۵۲۰

قطعه که به خصوص آصف العصر و الاوان و دروغ گفتن او در اصفهان گفته شده

این قطعه مشتمل بر چند فقره می باشد که بر سر هر فقره [ای] از آن به هر یک

از آن اشاره ای می شود و معلوم می گردد. فقره اول نهضت موکب شاهزاده

اعظم از دزفول و حسینیّه را مقرر نزل و ابرو باران و رعد و برق شدید و طوفان

عظیم در آنجا واقع، و عالیجاه حسن خان ندیم قاصدی به نزد داعی-ناظم-

- فرستاده و وقایع مزبوره را اعلام نموده و در کل فقرات بدایت و نهایت
 ۵۲۱ مخاطب حسن خان مزبور می باشد
- ۵۲۲ فقره اوّل؛ خطاب به برید نسیم صبا و مدح ندیم ارسطو انتما
- فقره دویم؛ التماس به ندیم مزبور که عرض بندگی و خلوصیت و دعاگویی و
 مدح گستری را نیابت بعد از مراجعت نواب شاهزاده از اردوی همایون شاهی
 ۵۲۳ رساندند و عرض کردند
- ۵۲۴ بعد از عرض اخلاص آغاز مدح گستری
- فقره سیم؛ در توجیّهات محسّنه و حلّ معانی رمز و سر توپ صبحگاهی و اذان
 متّصل به آن که حسب الامر قدر قدر مأمور به نظم آنها شده بود و در اردوی
 ۵۲۶ همایون رسمی بدیع بودند
- در بیان شکوه نمودن ناظم به ندیم مزبور در این که هر دو نشانه یک تیر و
 ۵۲۷ بدست یک صیّاد هر دو اسیریم
- در شکوه از چرخ ستمگر و سپهر بیدادگر و مطلع شدن از مصیبت جهان سوز و
 ۵۲۸ سانه غم اندوز فوت نواب خلد آشیان شاهزاده اعظم -انار الله برهانه-
- ۵۲۹ قطعه ای دیگر حسب الامر قدر قدر
- ۵۲۹ قطعه در تعریف ادب و مذمت بی ادبی و مفاصد آن
- ۵۳۰ قطعه در جواب میرزا صائب
- قطعه که در خصوص طلبیدن میرزا واقف در شب به میهمانی گفته و نوشته
 ۵۳۱ شده بود
- ۵۳۲ قطعه مختصره که از برای خود گفته
- ۵۳۲ قطعه
- ۵۳۳ ایضاً قطعه [ای] در تعریف شمعدان حسب الامر قدر قدر، برسلک نظم در آمده
- ۵۳۳ قطعه که در تعریف افصح المتأخرین میرزا عازم شیرازی معاصر حقیر گفته شده
- ۵۳۴ قطعه

- ۵۳۴ قطعه در سفر مؤلف به هویزه
- ۵۳۵ قطعه مختصره
- ۵۳۵ ایضاً قطعه ای به خصوص عصای وزیر ارسطو تخمیر
- قطعه مناظره داعی با نوکر خود و متعرض چند به او کردن و جواب گفتن
- ۵۳۵ نوکر داعی، داعی را
- ۵۳۷ در مذمت تریاک و تریاکیان به سلک نظم در آمده
- قطعه مختصرانه دیگر که در مذمت تریاک، حسب خواهش بعضی از فضلاء
- ۵۴۰ و امراء ایضاً گفته شده
- ۵۴۰ قطعه
- ۵۴۰ قطعه در خصوص وصف معتمد
- ۵۴۱ قطعه که در خصوص مدح و همت فخریه
- ۵۴۲ قطعه صحیحه لطیفه
- ۵۴۲ قطعه
- ۵۴۳ قطعه
- ۵۴۳ قطعه
- ۵۴۳ قطعه در میان غزل گفته شده و غزل سابقاً مسطور است
- ۵۴۳ قطعه
- ۵۴۴ قطعه ای که برای خود گفته
- ۵۴۴ قطعه مستحسنه فی وزارت الوزير
- ۵۴۴ قطعه
- ۵۴۵ قطعه
- ۵۴۵ قطعه
- ۵۴۶ قطعه هجو ملیح

قطعه تاریخی که به خصوص رد کردن ملک موروثی به شاهزاده جم اقتدار بعد از آنکه شاه عالم پناه ملک را از او گرفته به شاهزاده دیگر داده بود باز به

او مرحمت فرموده ۵۴۷

قطعه تاریخی که به خصوص انتظام ملک از شاهزاده و شاه والایه به شاهزاده دیگر داده بود گفته شده ۵۴۸

قطعه ای که به خصوص نتیجه الخوانین الأمراء العظام میرزا صفای زنگنه گفته شده ۵۴۹
قطعه تاریخی که حقیر ناظم از مسقط الرأس و مسکن آباء و اجداد که در قرب جوار آستان فیض نشان صاحب الکشف و الکرامات الجلی، السلطان سید علی مهاجرت نموده و به محلات بلده دزفول خانه ای اندر او و بیرون ساخته و خود در آن ساکن گردیده این است ۵۵۰

قطعه ۵۵۱

قطعه ای که در خصوص مردن الاغ خود و تأسف بر آن گفته شده ۵۵۱

قطعه غریبه در مدح شیخ علی میرزا قاجار ۵۵۳

قطعه ای که در خصوص ظلم وزیر مزدک نظیر که دو نفر از سادات صحیح نسب را، یکی به دار و یکی را به چوب بسته، و به همان دو سه روز ثمر آن را دیده ۵۵۳

قطع انعام شاهی که از جانب شاه والایه برای عموم مستحقین و سادات که مقرر شده بود و وزیر ضلالت تخمیر که آن را بدون جهت قطع نموده و ثمر آن را به چشم دیده؛ این قطعه در این خصوص گفته شده ۵۵۵

قطعه ای که در خصوص دشمنی کسی که با حقیر بی سبب عداوت می ورزید و جمعی را با خود متفق ساخته، از الطاف ربّانی و اثر دعای حقیر فیما بین او و اشخاص معینان او دشمنی عظیم واقع شده و برادر آن شخص کشته گردیده و دیگر دست از من کشید ۵۵۷

قطعه ای که در خصوص شخصی ظالم که قوی دست گردیده، شروع به تاراج اموال و خانه های سادات نمود، و سادات را گرفته و ضبط اموال غیر مع سادات نموده ۵۵۸

- ۵۵۹ قطعه در خصوص تواضع و عدم تواضع
- ۵۶۰ قطعه در مدح معتمد الدوله
- ۵۶۲ قطعه در تعریف بازنجان
- قطعه تاریخی که به خصوص مسجد و مدفن و تکیه عالی جناب سید عبدالله گفته شده
- ۵۶۳
- ۵۶۴ قطعه در خصوص استاد و بنای مسجد و تکیه و مدفن داعی
- قطعه ای که به خصوص وزیر ... تخمیر ابلیس نظیر که باعث خرابی و برهم زدن دزفول، و مخترع انواع بدع ظلم و جور گردیده، عجب تر اینکه دیناری عاید خودش نشده
- ۵۶۴
- ۵۶۵ قطعه در مذمت خود و طول ایام گل کاری خانه خود گوید
- ۵۶۵ قطعه
- ۵۶۶ قطعه در مأکولات جواب بسحاق شیرازی
- ۵۶۷ قطعه
- قطعه مشعر بر دو تاریخ ضد همدیگر؛ یکی تاریخ جلوس میمنت مأنوس پادشاه جمجاه محمد شاه قاجار - خلد الله ملکه و سلطنته - و یکی دیگر تاریخ فوت پادشاه جنت و نعیم آرامگاه فتحعلی شاه قاجار - انار الله برهانه -
- ۵۶۷
- ایضاً قطعه تاریخ دیگر برای جلوس میمنت مأنوس پادشاه جمجاه محمد شاه قاجار - خلد الله ملکه - بر اورنگ سلطنت موروثی
- ۵۷۱
- قطعه تاریخ مبسوط فوت شاه سکندر دستگاه طوبی و سدره جایگاه فتحعلی شاه السلطان المغفور المرحوم - انار الله برهانه -
- ۵۷۲
- ۵۷۵ قطعه در مذمت زن و شهوت گوید
- قطعه ای که به خصوص آب انداختن که حسب الأمر همایون بندگان سکندر شأن مالک رقاب، حشمت الدوله مقرر شده، بعد به التماس جمعی و ظریفی مرخص گردید
- ۵۷۶

- قطعه ای مختصره که ملحق به قصیده سرکار فیض آثار وزیر بی نظیر ارسطو
 ۵۷۷ تخمیر، مقرّب الخاقان آصف جاهی گفته شده
- قطعه مختصره دیگر که ملحق به قصیده سرکار فیض آثار وزیر بی نظیر
 ۵۷۷ ارسطو تخمیر، مقرّب الخاقان آصف جاهی گفته شده
- ۵۷۸ قطعه ملحق به قصیده مسطوره در بحر «را» که در دیوان ثبت است
- ۵۷۹ قطعه
- ۵۷۹ قطعه مختصری که به خصوص یکی از محصلان شاهی گفته شده
- ۵۷۹ قطعه ای که به خصوص خلعت بندگان سکندر شأن شاهزاده محمود گفته شده
- ۵۸۰ قطعه که برای مزرعه خود که مسمی به دویلان است
- ۵۸۰ قطعه شکوه از دویلان که مزرعه حقیر است
- ۵۸۱ ایضاً قطعه مختصری در خصوص دویلان که مزرعه حقیر است
- قطعه ای که به خصوص دویلان و شکوه از جمع آن به وزیری که
 ۵۸۲ معتمدالدوله نیز بود قلمی و گفته شده
- قطعه ای که به خصوص ظلم و ستم که از بعضی از حکام عاقبت نافرجام به
 رعایای ضعیف الحال دزفول به سبیل ریش بگير و انواع بدعت در دفتر واقع
 ۵۸۳ شده گفته شده
- ۵۸۶ قطعه
- قطعه مرسوله به خدمت فلک رفعت بندگان نواب کامیاب گردون احتشام امیر
 ۵۸۶ زاده آزاده والاتبار جم اقتدار ابوالفتح میرزا-ادام ظلّه العالی-
- ۵۸۸ قطعه
- ۵۸۹ تاریخ حکومت حاج میرزا زمان خان بیگلر بیگی تبریزی
- تاریخ اوّل بند شوستر که حسب الامر همایون نواب شاهزاده اعظم خیال و به
 نظم در آمد که در سنه هزار و دویست و بیست و پنج، سدّ تمام و او را بعد از
 ۵۹۰ اتمام آب برده

- تاریخ تعمیر بقعه براء بن مالک در شوشتر به امر حسب الامر قدر قدر نواب
 ۵۹۱ شاهزاده اعظم الأعدل الأبواب
- ۵۹۳ تاریخ حکومت عالی جاه محراب خان افشار
- ۵۹۴ ماده تاریخ حکومت محراب خان افشار
- ۵۹۴ ماده تاریخ منصب قضاوت قاضی
- ۵۹۴ ماده تاریخ حکومت عالیجاه محراب خان افشار
- تاریخ وفات بندگان جمشیدشان خلد آشیان علین مکان سدره طوبی مقام - انار
 الله برهانه - که حسب الامر قدر قدر شاهزاده عالم مدار، محمد حسین میرزا -
 ۵۹۵ خلد الله دولته - به سلک نظم در آمده
- ۵۹۷ در هجو ...
- ۵۹۸ بدون عنوان
- تصرفی که در قصیده مرقومه بحر نون قلمی شده، سابقاً برای راجه چندولعل
 ۶۰۰ گفته شد
- ۶۰۱ دو بیت در تعریف قاصد
- ۶۰۱ در خصوص ...
- ۶۰۲ در مذمت شخصی شیرازی مسمی
- ۶۰۳ در تعریف عزیزی که با حقیر دوست بود
- ۶۰۳ در هجو دهکده کرت گفته شده
- ۶۰۳ متفرقه
- ۶۰۴ متفرقه
- ۶۰۴ در هجو ابوطالب بیک قزوینی میراب - لعنت الله علیه و علی والدیه -
- ۶۰۸ در هجو میراب ابوطالب بیک قزوینی مباشر طواحین
- ۶۱۰ ماده تاریخ فوت غفران مآب عالیجاه میرزا اسماعیل خان شوشتری
- ۶۱۱ قطعه

- از مرثیه ۶۱۳
- دو بیت از مرثیه ۶۱۴
- قطعه ۶۱۴
- در هجو اشخاصی که با شعرا ناخوش اند ۶۱۴
- در تعریف شاه جم جاه محمد شاه قاجار - مدّ ظلّه الأعلی - ۶۱۷
- در تعریف شاهزادگان و عزل و نصب ایشان از صفحه خوزستان ۶۱۷
- مطلع ۶۱۷
- تاریخ فوت عزیزی دیگر ۶۱۷
- تاریخ فوت عزیزی ۶۱۸
- تاریخ جشن و عروسی شاهزاده ۶۱۸
- تاریخ جشن و عروسی شاهزاده اعظم که حسب الأمرش ایضاً گفته شده ۶۱۹
- قطعه ۶۲۰
- قطعه ۶۲۱
- قطعه خطاب به دزفولی ها ۶۲۱
- در هجو شیر نام حیدری خانه دزفول ۶۲۲
- تاریخ وفات مستوفی ۶۲۲
- در مذمت مزرعه دیلان ۶۲۲
- تاریخ مختصر بی عدیل و نظیر پادشاه سکندر دستگاه محمد شاه قاجار ۶۲۳
- خلد الله ملکه و سلطنته و عدالته- ۶۲۳
- ایضاً تاریخ فوت شاه جنت مکان ۶۲۳
- ایضاً تاریخ فوت شاه جنت مکان و نعیم آرامگاه ۶۲۳
- ایضاً تاریخ ثانی که بعد از تاریخ مرقوم واقع شده زیرا که این قطعه را دو ۶۲۶
- تاریخ است ۶۲۶
- این تاریخی است مختصر بعد از تاریخ مرقومه، متضمن فوت و جلوس هر دو ۶۲۶

- ۶۲۶ ایضاً تاریخ فوت شاه جنت [مکان] و نعیم آرامگاه
- ایضاً تاریخ جلوس میمنت مانوس پادشاه سکندر دستگاه اسلام پناه، محمد شاه
- ۶۲۷ قاجار بر اورنگ موروئی - خلد الله ملکه و سلطنته -
- ایضاً تاریخ جلوس میمنت مانوس پادشاه سلیمان بارگاه اسلام پناه، محمد شاه
- ۶۲۷ قاجار بر اورنگ موروئی - خلد الله ملکه و عدالته -
- ۶۲۸ بدون عنوان
- ۶۲۹ ترجیع بند ها
- مرثیه نواب خلد آشیان سدره مقام - انار الله برهانه و برد الله مضجعه و عطر الله
- ۶۳۱ ترتبه بنسائم رحمته -
- ۶۴۱ ترجیع بند [ناقص]
- ۶۴۳ مخمس ها
- ۶۴۵ مخمس قصیده خواجه حافظ شیرازی
- ۶۴۷ رباعیات
- ۶۴۹ رباعی در توحید
- ۶۴۹ رباعی
- ۶۴۹ رباعی
- ۶۵۰ رباعی در مدح پیغمبر (ص)
- در تعریف مظهر العجائب اسد الله الغالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب -
- ۶۵۰ صلوات الله علیه - گفته شده
- در تعریف سید الوصیین امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب - صلوات الله علیه و
- ۶۵۰ اولاده أجمعین
- ۶۵۰ رباعی در مدح اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام -
- ۶۵۱ ایضاً تاریخی موافق تاریخ اول (۱۲۲۰ هـ. ق) رباعی باز حسب الامر شاهزاده اعظم
- ۶۵۱ ایضاً تاریخی دیگر موافق تاریخ اول (۱۲۲۰ هـ. ق) رباعی باز حسب الامر شاهزاده اعظم

- رباعی ۶۵۱
- این چهار رباعی در تعریف آقا محمد ظاهر اصفهانی شهاب تخلص گفته شده؛ مشارالیه دو رباعی در خصوص حقیر گفته و فرستاده ۶۵۱
- ایضاً رباعی ۶۵۲
- ایضاً رباعی ۶۵۲
- ایضاً رباعی ۶۵۲
- ایضاً رباعی ۶۵۲
- رباعی ۶۵۳
- رباعی تعریف باز و سبب شکار نکردن او که حسب واجب الاذعان گفته شده ۶۵۳
- رباعی ۶۵۳
- رباعی ۶۵۳
- رباعی ۶۵۳
- رباعی ۶۵۴
- رباعی که به خصوص میرزا صفایی کرمانشاهی گفته شده ۶۵۴
- رباعی ۶۵۴
- رباعی ۶۵۴
- رباعی ۶۵۵
- رباعی ۶۵۵
- در مذمت خانه یکی از خوانین گوید ۶۵۵
- رباعی ۶۵۵
- رباعی ۶۵۵
- رباعی ۶۵۶
- رباعی ۶۵۶
- رباعی ۶۵۶

۶۵۶	رباعی
۶۵۷	رباعی
۶۵۷	رباعی از برای خود
۶۵۷	رباعی از برای خود
۶۵۷	رباعی از برای خود
۶۵۸	رباعی
۶۵۸	رباعی
۶۵۸	رباعی
۶۵۸	رباعی
۶۵۹	رباعی
۶۵۹	رباعی
۶۵۹	رباعی در شدّت سرما
۶۵۹	رباعی
۶۵۹	رباعی
۶۶۰	رباعی
۶۶۰	رباعی
۶۶۰	رباعی
۶۶۰	رباعی
۶۶۱	هجو صالح مباشر طواحین
۶۶۱	رباعی در خصوص شدّت سرما
۶۶۱	رباعی
۶۶۱	رباعی
۶۶۲	رباعی
۶۶۲	رباعی

- ۶۶۲ رباعی
- ۶۶۲ رباعی
- ۶۶۲ رباعی
- ۶۶۳ رباعی مناسب حال خود
- ۶۶۳ رباعی مناسب حال خود گوید
- ۶۶۳ رباعی
- ۶۶۳ رباعی در مذمت امیدواری
- ۶۶۴ رباعی در مذمت بعضی از شعرا
- ۶۶۴ رباعی در تعریف خادم شاعر معاصر حقیر
- ۶۶۴ رباعی در مدح شاهزاده احمد گفته شد رباعی شاهزاده احمد علیه الرحمه -
- رباعی که به خصوص سه دراج شاهزاده که به حقیر داده، دیگری آنها را غارت کرده گفته شده
- ۶۶۴
- ۶۶۵ رباعی که در خصوص گم شدن زمرّد شاهی گفته شده
- ۶۶۵ رباعی در خصوص عطیّه زمرّد شاهی به حقیر
- ۶۶۵ رباعی در مذمت لثیمی
- ۶۶۵ رباعی
- ۶۶۵ رباعی
- ۶۶۶ رباعی
- ۶۶۶ رباعی
- ۶۶۶ در هجو عصا
- ۶۶۶ رباعی
- ۶۶۶ رباعی در مذمت خود گفته
- ۶۶۷ رباعی
- ۶۶۷ رباعی

- رباعی ۶۶۷
- رباعی ۶۶۷
- رباعی ۶۶۷
- رباعی ۶۶۸
- رباعی ۶۶۸
- رباعی که به خصوص وزیر عظیم النّظیر گفته شده ۶۶۸
- ایضاً رباعی دیگر ۶۶۸
- ایضاً رباعی دیگر ۶۶۸
- ایضاً رباعی دیگر ۶۶۹
- رباعی که به خصوص وزیر آصف نظیر گفته شده ۶۶۹
- ایضاً رباعی دیگر به خصوص وزیر ارسطو تخمیر... ۶۶۹
- رباعی که به خصوص کسر مزرعه خود از ملخ گفته شده ۶۶۹
- ایضاً رباعی دیگر به خصوص کسر مزرعه خود از ملخ ۶۶۹
- رباعی که به خصوص ادعای پول کسر ملخ از مزرعه خود گفته شده ۶۷۰
- ایضاً رباعی در مدح وزیر آصف نظیر گفته شده ۶۷۰
- رباعی در خصوص مدح و تعریف اسم اعظم امیرالمؤمنین و وصی رسول رب العالمین علی بن ابی طالب و اولاده اجمعین -علیهم السّلام- گفته شده ۶۷۰
- رباعی در تعریف شاهزاده اعظم بیضا تخلّص گفته شده ۶۷۰
- ایضاً رباعی دیگر در مدح شاهزاده اعظم بیضا تخلّص گفته شده ۶۷۱
- ایضاً رباعی دیگر در مدح شاهزاده اعظم بیضا تخلّص ۶۷۱
- ایضاً رباعی دیگر در مدح شاهزاده اعظم بیضا تخلّص ۶۷۱
- رباعی در تعریف شاهزاده اعظم رفعت تخلّص گفته شده ۶۷۱
- ایضاً رباعی دیگر در خصوص مدح شاهزاده اعظم رفعت تخلّص ۶۷۱
- ایضاً رباعی در مدح شاهزاده اعظم رفعت تخلّص گفته شده ۶۷۲

۶۷۲	رباعی که در مدح طبع همایون ذخار گهر نثار بندگان سکندر شأن حشمت الدولة العلیّه گفته شده
۶۷۲	رباعی که به خصوص مفلسی خود گفته
۶۷۲	رباعی که به خصوص عصای آصف جاهی گفته شده
۶۷۳	رباعی در مذمت صوفیه
۶۷۳	در مذمت صوفیه غیر مشروعه
۶۷۳	در مذمت صوفیه غیر مشروعه
۶۷۳	رباعی
۶۷۴	رباعی تخلّصی که به ظریف داده
۶۷۴	رباعی در تعریف زر
۶۷۴	رباعی
۶۷۴	رباعی در مذمت ابوطالب بک
۶۷۵	ایضاً رباعی
۶۷۵	رباعی در مذمت ابوطالب بک
۶۷۵	رباعی در هجو
۶۷۵	رباعی
۶۷۶	رباعی در مذمت
۶۷۶	رباعی در مذمت پروانه
۶۷۶	رباعی در مذمت پروانه
۶۷۶	رباعی
۶۷۷	در مذمت خود گوید
۶۷۷	رباعی
۶۷۷	رباعی
۶۷۷	رباعی مقتضای وقت

۶۷۸	رباعی مناسب وقت
۶۷۸	رباعی مناسب حال خود گوید
۶۷۸	ایضاً رباعی مناسب حال خود گوید
۶۷۸	رباعی
۶۷۹	رباعی مقتضای وقت
۶۷۹	در مذمت خود گوید
۶۷۹	رباعی
۶۷۹	رباعی
۶۸۰	رباعی مناسب حال خود گوید
۶۸۰	ایضاً رباعی مناسب حال
۶۸۰	ایضاً رباعی مناسب حال خود
۶۸۰	رباعی
۶۸۱	رباعی
۶۸۱	چند رباعی که در خصوص مرثیه پسرزاده های خود انشاء شده
۶۸۱	رباعی در خصوص مرثیه پسرزاده خود گوید
۶۸۱	رباعی مرثیه پسرزاده خود گوید
۶۸۲	رباعی در خصوص مرثیه پسرزاده خود گوید
۶۸۲	رباعی
۶۸۲	رباعی
۶۸۲	رباعی
۶۸۳	رباعی
۶۸۳	رباعی
۶۸۳	رباعی برای خود
۶۸۳	رباعی

- رباعی ۶۸۴
- رباعی به خصوص اقرار به جرم و گناه و وجود کالعدم خود گوید ۶۸۴
- رباعی که در صدر دفتر بعد از نوروز نوشته می شود برای مستوفی گفته شده ۶۸۴
- رباعی ۶۸۴
- رباعی که به خصوص تخلص شاهزاده اعظم حسب الأمرش گفته شد ۶۸۵
- رباعی ۶۸۵
- رباعی ۶۸۵
- رباعی ۶۸۵
- رباعی ۶۸۵
- رباعی ۶۸۶
- رباعیات متعدده که در خصوص تخلص شاهزاده جم اقتدار گفته شده ۶۸۶
- رباعی دیگر ایضاً ۶۸۶
- رباعی دیگر ایضاً ۶۸۶
- رباعی ۶۸۶
- رباعی در خصوص طبع و قاد شاهزاده اعظم حسب الأمرش گفته شده ۶۸۷
- رباعی ۶۸۷
- رباعی جدید ۶۸۷
- رباعی ۶۸۷
- رباعی ۶۸۸
- رباعی ۶۸۸
- رباعی ۶۸۸
- رباعی که به خصوص عصای شاهزاده که سر عصا به صورت پنجه ای که ماهی به کف گرفته بود منقش شده به امرش و انشاء ثبت گردیده ۶۸۸
- ایضاً رباعی دیگر برای عصا ۶۸۹
- رباعی ۶۸۹

- ۶۸۹ رباعی
- ۶۸۹ رباعی
- ۶۹۰ رباعی به خصوص اخراج حاکم
- ۶۹۰ ایضاً به خصوص بیرون کردن حاکم
- ۶۹۰ رباعی به خصوص اخراج حاکم
- ۶۹۰ رباعی به خصوص اخراج حاکم
- ۶۹۱ رباعی به خصوص اخراج حاکم
- ۶۹۱ رباعی
- ۶۹۱ رباعی
- ۶۹۱ رباعی که به خصوص تیر انداختن شاهزاده اعظم به امرش گفته شده
- ۶۹۲ رباعی
- ۶۹۲ رباعی
- ۶۹۲ رباعی
- ۶۹۲ رباعی
- ۶۹۳ رباعی در مذمت
- ۶۹۳ رباعی در مذمت خان
- ۶۹۳ رباعی در مذمت ابوطالب بک
- ۶۹۳ رباعی
- ۶۹۳ رباعی
- رباعی در مدح عصای بندگان معتمد الدوله که به ظاهر عصا بود و در باطن دورانداز بی بدل و در دست کسی او را از عصا فرق نمی نمود و از تصرفات
- ۶۹۴ فرننگ بود که برای او پیشکش آورده بودند
- ۶۹۴ ایضاً در مدح عصا
- ۶۹۴ رباعی

- رباعی ۶۹۴
- در مدح شاهزاده والا تبار متخلص به رفعت ۶۹۵
- رباعی در خصوص کامران شدن به وسیله سازی خالق بی نیازی کار ساز بی انجام و آغاز - جلّ شأنه و عظم سلطانه و بهر برهانه - هنگام پیری و کوری دستگیری و یأس از ابعاد و اقارب و وصول به خدمت اعظم عظمای زمان و اسخیای افهم دوران، والاتبار ایران مدار - لا زال دولت بالعشی و الإیکار الی
- یوم القرار - ۶۹۵
- رباعی ۶۹۵
- رباعی در مذمت زمانه ۶۹۵
- رباعی در مذمت زمانه گوید ۶۹۶
- رباعی که بهر انار به بعضی دوستان قلمی شده بود ۶۹۶
- در مذمت منصب ملاباشی گری خود گوید ۶۹۶
- رباعی ایضاً در مذمت ملاباشی گری خود گوید ۶۹۶
- رباعی که بخصوص کزننگین به بعضی دوستان فرستاده شده ۶۹۷
- رباعی که به خصوص سه درّاج شاهزاده فرستاده آنها را تاراج نمودند ۶۹۷
- رباعی در تعریف طبع همایون حشمت شاه - مدّ ظلّه الأعلی - ۶۹۷
- رباعی ۶۹۷
- در تعریف شاهزاده محمود ۶۹۸
- رباعی ۶۹۸
- رباعی در مذمت قاضی ۶۹۸
- رباعی ۶۹۸
- رباعی ۶۹۹
- رباعی ۶۹۹
- رباعی ۶۹۹

- ۶۹۹ رباعی در مدح تنهایی و تنها بودن گوید
- ۶۹۹ رباعی در مذمت دویی گفته شده
- ۷۰۰ رباعی در مدح وحدت گزینی و تنهایی گفته شده
- ۷۰۰ رباعی در مدح انزوا و گوشه گیری گفته شده
- ۷۰۰ ایضاً رباعی در مدح انزوا و گوشه گیری
- ۷۰۰ رباعی در مدح گمنامی
- ۷۰۰ رباعی در مذمت کثرت و جمعیت
- ۷۰۱ رباعی که از برای خود و بعضی از منسوبان خود منتظم شده
- ۷۰۱ ایضاً رباعی که از برای خود و یکی از منسوبان خود به سلک نظم درآمده
- ۷۰۱ ایضاً رباعی که برای خود و منسوب خود گفته شده
- ۷۰۱ رباعی که از برای بی کسی خود گفته
- ۷۰۱ ایضاً رباعی از برای بی کسی خود گفته
- ۷۰۲ رباعی در خصوص مناجات و اقرار به گناه خود کردند
- ۷۰۲ رباعی
- ۷۰۲ رباعی در خصوص استدعای عفو از جرایم خود
- ۷۰۲ رباعی در خصوص حسن طلب در پیری
- ۷۰۳ رباعی در مفلسی و پریشان احوالی
- ۷۰۳ رباعی در بی کسی خود گوید
- ۷۰۳ رباعی در خصوص شکوه از اوضاع پریشان احوالی خود گوید
- ۷۰۳ ایضاً رباعی در شکوه از پریشان احوالی و بی اوضاعی در که پیری
- ۷۰۴ رباعی اول در مذمت شراب دوزخ مآب گفته شده
- ۷۰۴ ایضاً رباعی ثانی در مذمت شراب سقر ایاب
- ۷۰۴ ایضاً رباعی دیگر در مذمت شراب پر عذاب در دنیا و آخرت
- ۷۰۴ ایضاً رباعی در مذمت شراب کفران ایاب

- ۷۰۵ ایضاً رباعی در مذمت شراب ضلالت مآب
- ۷۰۵ ایضاً رباعی در مذمت شراب کثیر العتاب و العقاب
- ۷۰۵ رباعی در شکوه از مخادیم و احباب چند
- ۷۰۵ رباعی در خصوص شکوه از سپهر دوار و آسمان بد رفتار
- ۷۰۵ ایضاً رباعی در مذمت شراب
- ۷۰۶ رباعی در خصوص شکوه از احباب
- ۷۰۶ رباعی
- ۷۰۶ رباعی
- ۷۰۶ رباعی
- ۷۰۷ رباعی
- ۷۰۷ رباعی
- ۷۰۷ شرح رباعیات که تمامی شکوه از بارش می باشند
- ۷۰۸ ایضاً به خصوص بندگان اشرف اقدس ارفع حسام السلطنه العلیه مد ظله الاعلی -
- ۷۰۸ ایضاً رباعی که به خصوص نواب سکندر شأن حسام السلطنه گفته شده
- ۷۰۸ ایضاً رباعی که به خصوص نواب سکندر شأن حسام السلطنه گفته شده
- ۷۰۹ رباعی که به خصوص بارش بسیار که خانه حقیر را خراب نموده گفته شده
- ۷۰۹ ایضاً رباعی که به خصوص بارش بسیار که خانه حقیر را خراب نموده گفته شده
- ۷۰۹ ایضاً رباعی دیگر که به خصوص اذیت بارش بسیار به خانه حقیر
- ۷۰۹ ایضاً رباعی در خصوص مدح بندگان سکندر شأن محمود میرزا
- ۷۱۰ ایضاً رباعی در تعریف بندگان سکندر شأن محمود میرزا
- ۷۱۰ رباعی که داعی ناظم از برای خود گفته
- ۷۱۰ رباعی
- ۷۱۰ رباعی که به خصوص کندن چشم بعضی از امراء گفته شده
- ۷۱۱ رباعی

- رباعی ۷۱۱
- رباعی ۷۱۱
- رباعی ۷۱۱
- رباعی در خصوص ... گفته ۷۱۲
- رباعی در خصوص عصای خود گفته ۷۱۲
- رباعی در تعریف عینک گفته شده ۷۱۲
- ایضاً رباعی در تعریف عینک گفته شده ۷۱۲
- ایضاً رباعی در تعریف عینک گفته شده ۷۱۲
- در تعریف چراغان عروسی و بهار شمع عروسی ۷۱۳
- در تعریف بهار شمع عروسی ۷۱۳
- در تعریف چراغان عروسی بر روی آب ۷۱۳
- تعریف شمعدان مجلس همایون شاهزاده اعظم محمد حسین میرزا-مد ظله
- الأعلى - حسب الأمر قدر قدر ۷۱۳
- ایضاً تعریف شمعدان حسب الامر قدر قدر مبارک ۷۱۴
- ایضاً تعریف شمعدان حسب الامر قدر قدر مبارک ۷۱۴
- ایضاً تعریف شمعدان حسب الأمر قدر قدر مبارک ۷۱۴
- در مذمت افسر شاعر معاصر ۷۱۴
- ایضاً در تعریف یکی از شعرای معاصر ۷۱۴
- در تعریف خادم شاعر معاصر خود گوید ۷۱۵
- در عفو و قدرت کامله الهی گوید ۷۱۵
- در هجو ۷۱۵
- در تعریف بالش معتمد گوید ۷۱۵
- دو بیت مرثیه در خصوص پسرزاده خود گفته ۷۱۶
- در تعریف کلیم گوید ۷۱۶

[illegible]

۷۲۹	حقیقت امرنا در خلوصیت
۷۲۹	ایضاً فردی دیگر که در عریضه معتمد قلمی شده
۷۲۹	در خصوص زلزله
۷۳۰	فرد
۷۳۰	فرد
۷۳۰	فرد
۷۳۰	فرد
۷۳۰	فرد
۷۳۱	فرد
۷۳۱	فرد
۷۳۱	مطلع
۷۳۱	مطالع متعدده
۷۳۲	فرد
۷۳۲	فرد
۷۳۲	فرد
۷۳۲	مطلع
۷۳۲	فرد
۷۳۲	فرد
۷۳۳	بیت
۷۳۳	فرد
۷۳۳	فرد
۷۳۳	مذمت مستوفی
۷۳۳	فرد
۷۳۴	فرد

۷۳۴	مطلع
۷۳۴	مطلع
۷۳۴	مطلع
۷۳۴	فرد
۷۳۵	بیت
۷۳۵	مطلع
۷۳۵	فرد
۷۳۵	فرد
۷۳۶	این سه بیت در اوّل مکتوب معتمد الدولة العلیّة العالیة الخاقانیة الأبدیة قلمی شده
۷۳۶	فرد
۷۳۶	فرد
۷۳۶	مطلع غزلی که در دیوان ثبت است
۷۳۶	متفرقه
۷۳۷	متفرقه
۷۳۷	مطلع
۷۳۷	ایضاً مطلع
۷۳۷	مطلع
۷۳۷	مطلع دیگر برای غزل مزبور گفته شده
۷۳۸	ایضاً مطلع دیگر برای غزل مزبور
۷۳۸	ایضاً مطلع دیگر برای غزل مزبور
۷۳۸	ایضاً غزلی دیگر غیر از غزل مزبور ایضاً حسب الأمرش گفته شده
۷۳۸	فردی است از بعضی غزل های مرقومه
۷۳۸	ایضاً فردی است از بعضی غزل های مرقومه
۷۳۸	مطلع

مطلع

۷۳۹

مطلع

۷۳۹

فرد

۷۳۹

خطبه ها

۷۴۱

خطبه مشعر بر حمد الهی و نعت حضرت رسالت پناهی و مدح و منقبت
امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و اولاده الطاهرین و لعن بر دشمنان ایشان -الی
يوم الدين

۷۴۳

خطبه مشتمل بر حمد الهی و نعت حضرت رسالت پناهی و منقبت جناب
امیرالمؤمنین و اولاده المعصومین -صلوات الله عليهم اجمعین- در مجلس شاه
جم جاه و شاهزادگان سکندر دست

۷۴۴

دییاجه ای که از برای کسی مجسم از حسد و کذب بالمناصفه بود قلمی شده
متمم آن که تائب از این دو صفت نگردید گذاشته شد و نا تمام ماند

۷۴۵

جواب مکتوب علامه العلما سید نعمت الله شوشتری که از حقیر خوااهش
تخلص نموده قلمی شده بود

۷۴۷

فرمان جناب عزرائیل به اطبای شوشتر و دزفول و سرافرازی سیزده نفر

۷۴۹

عریضه که بعد از سانحه عالمگیر جهانسوز فوت بندگان خلد آشیان سدره مقام
مسافر روضات جنان شاهزاده اعظم -بردد الله مضجعه- به حین تحریر در آمده بود

۷۵۳

عریضه ای که داعی ناظم به خدمت جم شوکت بندگان سکندرشان نواب اشرف
شاهزاده اعظم بعد از مراجعتش از اردوی کیهان پوی خاقانی قلمی شده بود

۷۵۶

توبه نامه ای که برای زنی تائبه قلمی شده

۷۵۷

عریضه که در جواب فتح نامه اعلیحضرت شاهنشاهی از زبان عالیجاه حاکم
خوزستان به حیز تحریر در آمده

۷۵۹

مکتوب قدوة الامراء العظام و نتیجه السادات و الخوانین الکرام، میرزا سلطان
حسن خان شوشتری که یک عدد عینک برای حقیر انعام فرموده بود

۷۶۱

- ۷۶۴ خطبه شاه و شاهزادگان در اعیاد به تخصیص عید شریف نوروز فیروز
- خطبه دیگر در بزم همایون شاهی و شاهزادگان جم اقتدار در اعیاد-به
- ۷۶۶ تخصیص روز نوروز فیروز- مناسب است
- خطبه دیگر که در نوروز فیروزشأن اعیاد، به خصوص مجلس همایون شاهی و
- ۷۶۹ شاهزادگان جم اقتدار انشاء شده و خوانده شده
- خطبه ای که حسب الخواش بعضی از فضلاء اعلام و علمای کروی احتشام
- ۷۷۱ در اول مکتوبی که ضرور و مناسب بود انشاء و قلمی گردید
- ۷۷۱ خطبه در خصوص نوروز
- خطبه دیگر مشتمل بر مراتب مزبوره گفته شده و در مجلس می نو مثال
- ۷۷۲ خوانده شده
- خطبه فارسی مشتمل بر دعای سلطانی که در عید سعید فیروز نوروز انشاء و در
- ۷۷۳ مجلس همایونی خوانده شده
- ۷۷۴ شریطه دعا و اختتام و خطبه و مسرت قدوم
- ۷۷۴ باقی مبارک باد عید
- ۷۷۵ شریطه و اختتام دعاهاى خطب مزبوره مسطوره در دیوان
- ۷۷۵ عریضه ای که به جواب بعضی از فضلاء اعلام و علماء کروی احتشام قلمی شده
- ۷۷۸ خطبه ای که در روز عید سعید نوروز انشاء و در حضور سلطان خوانده شده
- ۷۷۹ دیباچه ای که به خصوص امری که چنین دیباچه برای او مناسب بود گفته شده
- صورت عریضه ای که حقیر مستهام ناظم همین عریضه را با قصیده مرقومه
- ۷۷۹ سابقاً به حضور ساطع النور شاهزاده اعظم فرستاده بود
- عریضه ای که حقیر در جواب رقم بندگان سکندرشأن اشرف اقدس ارفع والا
- ۷۸۳ محمدتقی میرزا -مدّ ظله الاعلی- قلمی و به دارالسّرور بروجرد فرستاده
- جواب مکتوب علامه العلماء العظام که در دارالسّرور بروجرد حقیر مستهام به
- ۷۸۵ او قلمی نموده

خطبه

۷۸۷

عریضه ای که حقیر ناظم به خدمت ذی شوکت بندگان سکندرشان مالک

۷۸۸

رقاب ولی النعم - مدّ ظلّه الأعلی - قلمی داشته بود

۷۹۱

خطبه

۷۹۳

دیباچه عریضه شاهزاده نواب محمود میرزای [قاجار]

۷۹۵

حکایتی از محمود میرزا قاجار و داعی

۷۹۷

عناوین دیگر

۷۹۹

منابع و مآخذ در تصحیح دیوان

۸۰۳

فهرست ها

۸۰۵

آیات قرآنی

۸۱۴

احادیث

۸۱۵

اشخاص و اماکن و گروه ها

۸۱۹

فهرست مصرع های اول دیوان

۸۵۷

تعلیقات

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش سخن

شکر و سپاس صانعی را که ریاض موجودات را از بیدای ظلمت آباد عدم به صحرای وجود آورد و بذر ارادت را در مزرعه بوستان غیب تربیت فرمود تا از آن بذر، شجره انسانی سر بر آورد. و صلوات بی عدّ و درود بی حدّ نثار روح مقدّس و کالبد مطهر سید کائنات و سرور موجودات سید انبیاء و سلطان اصفیاء محمد مصطفی (ص) که ثمره شجره وجود و دریای کرم و جود است. و درود و سلام بر اهل بیت او که شمس حقیقت اند و صحابه کرام او که نجوم طریقت اند.

یکی از ادبای مجهول القدر دزفول سید عبدالله بن سید محمدباقر الموسوی الدزفولی معروف به داعی دزفولی است. سید عبدالله داعی از سادات جلیل صفوی و از اولاد سید خواجه علی پسر شیخ صدرالدین موسی پسر شیخ صفی الدین اسحاق اردبیلی است.^۱

رضاقلی خان هدایت که همعصر او بوده ذیل داعی دزفولی از او یاد کرده.^۲ برخی نیز داعی دزفولی را داعی شوشتری دانسته اند.^۳ احمد قاجار مشهور به هلاکو و

^۱ - ادبیات در خوزستان، سید صدرالدین ظهیرالاسلام زاده، مجله ارمغان، شماره ۵، سال ۱۳۰۵ شمسی، ص ۲۹۴

^۲ - مجمع الفصحاء، رضاقلی خان هدایت، به کوشش مظاهر مصفا، امیر کبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲، جلد چهارم، ص

^۳ - جام جم، فرهاد میرزا قاجار، چاپ سنگی، ص ۴۷۲

متخلص به خراب به اشتباه او را از سادات مرعشی شوشتر دانسته است. وی می نویسد:
 «سید داعی اصلش از شوشتر، از اولاد سید برکه مرشد امیرکبیر امیر تیمور گورکان، از
 طوایف سادات مرعش است».^۴

سید عبدالله داعی از سادات داعی دزفول است. طایفه ایشان را در دزفول
 رودبندی نامند زیرا که ایشان خود را به خواجه سید علی سیاهپوش مشهور به رودبند
 نسبت می دهند. در کتاب سلسله النسب صفویه و مجمع الابرار کرامتی از سید خواجه
 علی راجع به بستن آب رود دزفول مرقوم و تاکنون در السئه اهالی دزفول مشهور است.^۵
 نسب وی تا حضرت امام موسی کاظم (ع) بدین ترتیب است:

سید عبدالله بن سید محمدباقر بن سید عبداللطیف بن سید صادق بن سید
 مرتضی بن سید علی بن سید شفیع بن سید هود بن سید محمد بن سید عباس بن صفی
 الدین بن سید عبدالله بن سید محمدرشید بن سید صالح بن سید خواجه علی مشهور به
 شاه رودبند - بن سید صدرالدین موسی بن شیخ صفی الدین بن سید اسحق بن سید
 جبرئیل بن سید محمد بن سید صلاح الدین بن سید قطب الدین بن سید محمد بن سید
 اسماعیل بن سید فیروز بن شاه سلیمان بن سید محمد بن سید حسین بن سید ابراهیم بن
 سید جعفر بن سید محمد بن سید عوض الخواص بن سید محمد بن سید احمد بن سید
 قاسم بن المسمی به امام حمزه بن امام الانس و الجن الامام موسی الکاظم صلوات الله
 علیه و اولاده المعصومین -^۶

تولدش در سال ۱۱۵۸ هجری قمری در دزفول اتفاق افتاد. تحصیلاتش اگر چه
 همه معلوم نیست ولی مدتی در اصفهان نزد فقیه زمان حاج سید محمد باقر شفتی مشهور

^۴ - مصطفی خراب، احمد قاجار، به کوشش عبدالحسین خیامپور، تبریز، ۱۳۴۴، ص ۶۰ و ۶۱

^۵ - سلسله النسب صفویه، پیرزاده ابدالی حسین، به کوشش ادوارد براون، برلین، چاپخانه ایران شهر، ۱۳۴۳، ص ۴۶؛ مجمع

الابرار و تذکره الاخیار، نظیری دزفولی حبیب الله، قم، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۲۸

^۶ - مجمع الابرار و تذکره الاخیار، ص ۲۸؛ ادبیات در خوزستان، ص ۲۹۴

به حجت الاسلام تلمذ کرده و خدمت آقا محمد بید آبادی از عرفا و فلاسفه آن دوران نیز رسیده است.^۷

آقا سید عبدالله در علم حکمت، کلام، طب و تصوّف آگاهی داشت و در ادبیات و تاریخ نیز آثار کاملی دارد.^۸ محمود میرزا قاجار او را مهتر و بهتر سادات زمان دانسته^۹ و وی را طیب و حکیم، ادیب و لیبی نامیده که حرف در اخبار و علم بسیار دارد و بسیار خوش صحبت و مورّخ و ظریف و لطیف است.^{۱۰} در علوم منقول مطلع به شمار می رفت و در زمان خود در دزفول ذوفنون محسوب می شد.^{۱۱} کمالی دزفولی او را از اشهر مشاهیر شهر در زمان خود می داند.^{۱۲}

در نظم یکی از غزل سرایان عالم است. طبعش در صفا مسلّم است.^{۱۳} از کهنه شاعران ایران و وحید زمان است.^{۱۴} زیاده از صد هزار بیت شعر دارد و بد و خوب را می گوید و خیلی خوب می گوید.^{۱۵} از این قطعه لطافت طبعشان معلوم می شود

بست خردسال و می سالخورد
برد از دل اندیشه خواب و خورد
نمرد آن که خورد و نخورد آن که مُرد

جوانی چه آورد و پیری چه برد
بت خردسالی که یک دیدنش
می سالخوردی که یک قطره اش

^۷ - ادبیات در خوزستان، ص ۲۹۵

^۸ - ادبیات در خوزستان، ص ۲۹۷

^۹ - عهد حسام، ص ۳۵

^{۱۰} - عهد حسام، محمود میرزا قاجار، به کوشش ایرج افشار، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۰، ص ۳۲

^{۱۱} - ادبیات در خوزستان، ص ۲۹۷

^{۱۲} - عرفان و سلوک اسلامی، کمالی دزفولی، تهران، چاپخانه رودکی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۷

^{۱۳} - عهد حسام، ص ۳۲

^{۱۴} - مصطفی خراب، ص ۶۰

^{۱۵} - عهد حسام، ص ۳۲

ممر معاش وی از عایدات مزرعه ی مشهور به (دویلان) که از اراضی جنوب دزفول و از سیور غالات امیر تیمور گورکان است.^{۱۶} او خانه ای در گشاده دارد و نانی آماده. زیاده از قوت دم نرم دارد و اضافه از مداخل نان گرم.^{۱۷}

مؤلفات داعی عبارت است از:

اول: نهاية الطلب در علم طب. نسخه ای از آن در کتابخانه آیت الله العظمی مرتضی انصاری (ره) موجود بوده است.

دوم: کتاب مجمع الاخیار و تذکرة الابرار که در سنه ۱۲۴۶ قمری حسب خواهش محمد حسین میرزای حشمت الدوله در تعیین قبور اولاد ائمه اطهار (ع) در دزفول تألیف نموده است. کتاب مذکور در سال ۱۳۷۰ توسط مرحوم حبیب الله نظیری دزفولی به طبع رسید.

سوم: دیوان اشعارش شامل دو مجموعه است یکی اشعاری که به سبک بسحق اطعمه سروده^{۱۸} و جز اشعاری پراکنده در دیوان داعی از آن چیزی باقی نمانده و دیوان شعری که شامل قصاید، غزلیات و رباعیات و دیگر قوالب شعری است که به صورت دیوان داعی (کتاب حاضر) تدوین گردیده است.

چهارم: کتاب در مکنون در دفاع از حریم سید صدرالدین کاشف داماد خود نوشته^{۱۹} و نسخه ای از آن در کتابخانه ملک تهران به شماره ۶۲۰۸ موجود است.^{۲۰}

پنجم: تاریخ مظهر الدوله که با مقدمه دیوان داعی نیز مطابقت دارد. بنظر می رسد مولف نتوانسته این کتاب را به اتمام برساند. نسخه ای از آن در کتابخانه ملک

^{۱۶} - ادبیات در خوزستان، ص ۲۹۵

^{۱۷} - عهد حسام، ص ۳۲

^{۱۸} - ادبیات در خوزستان، ص ۲۹۶

^{۱۹} - عرفان و سلوک اسلامی، ص ۱۲۷

^{۲۰} - فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک، محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، با همکاری محمدباقر حجّتی و

احمد منزوی، کتابخانه ملی ملک، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱، جلد نهم، ص ۲۶۷

به شماره ۶۲۰۸ موجود است^{۲۱} و در همین مجموعه نیز تحت عنوان مقدمه دیوان داعی یا تاریخ مظهر الدوله آمده است.

داعی در یک سفر که به طهران رفته بود منظور نظر فتحعلیشاه قرار گرفت وی با حکام دوره فتحعلیشاه مانند محمدعلی میرزای دولتشاه و پسرش محمدحسین میرزای حشمت الدوله محشور بود و گاهی ایشان را به مدیحه دلخوش می ساخت.

محمود میرزا قاجار گوید: در وقتی که در بروجرد توقف بود آدمی روانه دزفول می بود به سید عبدالله دزفولی داعی متخلص، رقمی مقید این بیت را بدیهه گفته به او نوشت. فرد:

دستی که به دامان تو دارم پی حاجت امید به دندان نسپارم به ندامت

در جواب رباعی و غزلی عرض کرد. در این منزل به مصحوب گرگین خان خواجه باشی حسام السلطنه که حاصل بیست هزار تومان نقد بوده رسید.

رباعی

داعی که ز پیری به جهان معذور است

از فیض حضور دیده اش بی نور است

در بحر حضور تو چو موج است و کنار

دایم به حضور و از حضور دور است^{۲۲}

از محمود میرزا قاجار نقل است: در زمان محمدعلی میرزا سنگی منقوش و منقور و اشکال عجیه در مرقه حضرت دانیال نبی (ع) وجود داشت. حکمای فرنگ به شوش دانیال آمدند و آن سنگ را دیدند در طهران به خسرو ایران اظهار در حمل و نقل

^{۲۱} فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک، جلد نهم، ص ۲۶۸

^{۲۲} عهد حسام، ص ۲۰ و ۲۱

آن نمودند و به سرکار محمدعلی میرزا اظهار مبالغی در این باب پیشکش می دادند و تقبّل می کردند که آن سنگ را با خود به فرنگ به برند. انحرافی هم در طبع شاهزاده بود که تسلیم نماید. چون آن سنگ را خود آن پیغمبر به جهت دفع و رفع بلیات از این ولایت موجود کرده و از برای بعضی امورات دیگر و علوم غریبه مضبوط کرده، اهل آن بلد خاصه سید عبدالله داعی که پیرترین مردم بود عرایض نوشته شاهزاده حکم کردند که آن سنگ را مخفی کردند از نظر، و عذر حکمای فرنگ را خواستند و ندادند.^{۲۳}

سید عبدالله داعی دختر خود بی بی خانم جان را به آقا سید صدرالدین کاشف دزفولی تزویج نمود و ربقه ی اطاعت و ارادت آن عارف کامل را بگردن جان بست. داعی سرانجام در سنه ۱۲۵۶ قمری در سن ۹۸ سالگی در دزفول وفات یافت و در مقبره ای که به امر خودش در سال ۱۲۵۴ قمری ساخته بودند دفن گردید. ساعد السلطنه سردار اکرم همدانی حاکم خوزستان آرامگاه سید عبدالله داعی را تجدید بنا نمود. قطعه ای که آقا سید صدرالدین کاشف دزفولی در تاریخ فوتش گفته بود بر سنگ مزارش منقور است.

داد بی داد از سپهر کج مدار	عالمی را کرده زین ماتم الیم
از ستم افکنده طوبی قامتی	رشک نخل نور در طور کلیم
جامع مجموعه اكمال دین	نیک هادی بر صراط مستقیم
سید عبدالله اسم اشرفش	بنده خاص خداوند علیم
می سزد در ماتمش از غم ملک	جامه تقدیس را سازد دو نیم
از دم عیسی وش او بی گمان	می نمودی زنده جان عظم رمیم
حاوی معقول و منقول از علوم	همچه نفس اولیاء عقلش سلیم
نفس پاک او به از روحانیون	کمترین وصفش «علی خلق عظیم»

طفل ابجدخوان علم حکمتش	صد چه افلاطون و بقراط حکیم
بود در هر فن و علمی ذوفنون	فیض لطفش همه چه لطف حق عمیم
گر زنان مصر دیدندی رخس	گفتنی هذا یقین ملک کریم
پشت کاشف را شکست از رفتش	شد به من دزفول مانند جحیم
سال تاریخ وفاتش را ز حق	خواستم از مرحمت های قدیم
کشف شد کاین مظهر از لطف خدا	گشته بسم الله الرحمن الرحیم
فاش گوش این مخزن اسرار ما	ز اشتیاق عالم باقی مقیم
سر برآورد از هوای دنیوی	«روح داعی شد بجنات النعیم»

بررسی کتابشناسی و نسخه شناسی دیوان داعی

استفاده از جملات طولانی و بدون فعل و از طرف دیگر، وجود کلماتی سنگین و دیر هضم از ویژگیهای نثر و نظم شاعر و طیب مبرز، مرحوم سید عبدالله داعی دزفولی است. این ویژگی ها را در نمونه نثرهای دوره ی قاجاریه می توان مشاهده نمود و لیکن تکلف و سنگینی متن بیش از دیگر متون آن دوره می باشد. از مجموعه کتبی که در اختیار داعی دزفولی بوده است و پس از مرگش آن کتابخانه توسط عارف جلیل القدر سید صدرالدین کاشف دزفولی - داماد مؤلف - خریداری می شود، چنین استفاد می گردد که مؤلف رساله علاوه بر مطالعه ی کتب دینی، اکثر اوقات خود را صرف مطالعه ی کتاب های ادبی متفاوتی نموده است که در پرباری متن اشعار و نثرهایش بی تأثیر نبوده است. بکارگیری آیات قرآنی و احادیث از ائمه معصومین علیهم السلام - در متن کتاب نیز نشان دهنده ی ذهن باز و قدرت حافظه ی او می باشد. به علاوه استفاده از اصطلاحات علم نجوم در جای جای اشعار داعی ما را رهنمون به این نکته می کند که وی در علم نجوم نیز بی اطلاع نبوده است.

دیوان داعی دزفولی از نظر تاریخی اطلاعات وسیعی را در اختیار تاریخ دانان قرار می دهد. این دیوان مشتمل بر غزلیات؛ قصاید و مسمط ها و دیگر قالب های شعری است. حجم بیشتری از دیوان به مدح و تمجید شاهزادگان و حکام دوران حیات مؤلف اختصاص دارد و شاید با مذاق برخی خوانندگان خوش نیاید، با این حال وظیفه انسانی و تاریخی مصححین چنین بود که به متن کتاب پایبند بوده و چیزی را کم و کاست نکنند. از اشعار داعی دزفولی می توان به روح و روان وی و آنچه که دغدغه ی زندگی او بوده است پی برد. مشکلات زندگی آن چنان ذهن داعی را مشغول می داشت که منتهی به سرودن قطعه یا تک بیتي در هجو مسبین و یا بیزاری از زمانه می شد. وی در جاهای بسیاری از اینکه آب را بر مزرعه اش -موسوم به دویلان- بیندند ترسیده است و هر گاه کسی مبادرت به سنگ اندازی در امر آبیاری زمینش نموده است او را هجو کرده است.

رقابت شاعری میان داعی و همعصران و متقدمان از دیگر مواردی است که در دیوان وی برای خواننده ملموس است. روحیه ی مبارزه طلبی و رقابت پذیری داعی دزفولی را می توان از رقابت با آذر بیگدلی و کتاب آتشکده ی او گرفته تا هاتف و از مناظره ی ادبی با شعرای گذشته مانند خاقانی و حافظ و سعدی مشاهده نمود. نمونه ای از مناظره و رقابتش با شاعر دوره ی زندیه آذر بیگدلی چنین است:

از کعبه و آتشکده فرق من و آذر	پیداست چو خورشید جهان نزد خردمند
آتشکده او را و مرا کعبه به عالم	میراث پدر هر چه بود هست ز فرزند
آن روز که رشح قلم شد گهر افشان	خود را ز خجالت سوی دریا گهر افکند
دارم ز فصاحت به جهان حصن حصینی	مسدود ره او ز روند است و ز آیند
خاموش ز مدح تو نشستنتوانم	سازند جدا گر به جهان بند من از بند
داعی اگر این عیب نمی بود جهانگیر	دایم به جهان زین شعرای سرهم بند

در طول تاریخ ادبیات ایران کم نبوده اند شعرائی که در غم از دست دادن فرزندان خود به نوحه سرایی پرداخته و شدت احساسات قلبی منجر به سرودن اشعاری از ایشان گردیده است. داعی دزفولی با از دست دادن دو فرزند و یک نوه توانایی حبس این غم در سینه را نداشت و اشعاری را در این زمینه در دیوان خود ثبت کرده است. بیت ذیل نشاندهنده وفات دو فرزندش است و ابیات دیگری نیز در دیوان در خصوص فوت نوه اش با عبارت «پسر زاده» آمده است. بیت:

چرا نالان تر، از یعقوب گریان تر نباشم من

از او یک یوسف و وز من دو یوسف در جهان کم شد

از دیگر وقایعی که داعی در دیوان خود ثبت نموده و به تاریخ تقدیم کرده است، سال بنای مقبره خود می باشد. گویی حس جاودانگی از طریق سرودن اشعار و تدوین دیوان وی را ارضا نکرده و این روحیه را با ساخت بنای مقبره ی خود به اتمام می رساند. مزار و مقبره داعی دزفولی به امر خودش در سال ۱۲۵۴ هجری قمری به دست معماری بنام استاد محمدعلی بنا گردید. وی در این خصوص قطعه ای می سراید که با مطلع ذیل در دیوانش آمده است:

قطب فضیلت هنر و درک معرفت داعی که بود راه نمای ره رشاد

دیوان داعی با مقدمه ای از مؤلف در توحید و مدح و منقبت ائمه معصومین و سپس پادشاه و حکام وقت آغاز می گردد. این مقدمه که در دیوان داعی موجود می باشد (ر.ک: نسخه خطی شماره ۴۷۴۳ کتابخانه ملک) با کتابی دیگر از مؤلف بنام «تاریخ مظهر الدوله» (ر.ک: نسخه خطی شماره ۶۲۰۸ کتابخانه ملک) مطابقت دارد با این تفاوت که در آن کتاب، بجای واژه ی «ناظم» و یا «ناظمه»، از کلمه «مؤلف» استفاده کرده است. بنابر این صفحات ابتدایی دیوان مزبور علاوه بر اینکه مقدمه ی دیوان

می باشد، مقدمه تاریخ مظهر الدوله که کتاب دیگری از مؤلف است نیز محسوب می گردد که در این مجموعه به چاپ رسیده است.

نسخه ای از تاریخ مظهر الدوله در کتابخانه ملک در دنباله نسخه ی خطی تذکرة الاخیار داعی دزفولی آمده است که سال تألیف کتاب ۱۲۲۰ هجری قمری است و ناتمام می باشد و به نظر می رسد که این اثر بصورت ناتمام باقی مانده است.

منابع مورد استفاده در تصحیح دیوان شامل <۱> نسخه «الف»: یعنی نسخه دیوان داعی دزفولی موجود در کتابخانه ملی ملک در تهران به شماره ۴۷۴۳ و <۲> نسخه «ب»: یعنی دیوان داعی دزفولی - دو مجلد - متعلق به کتابخانه آیت الله العظمی شیخ مرتضی انصاری (ره) در اهواز بود.

علاوه بر نسخه های فوق که از آنان در تصحیح کتاب استفاده نمودیم نسخه های دیگر و منابعی موجود بود که در آن یک قصیده یا دیگر قوالب شعری به صورت جنگ و نمونه آمده بود لیکن در دیوان و نسخ الف و ب موجود نبود. مصحح از این نسخه ها نیز در تصحیح دیوان استفاده نمود که در جای خود در پاورقی می آید. این نسخه ها عبارت بودند از <۳> نسخه «ج»: جنگ اشعار موجود در کتابخانه شرف الدین شوشتر <۴> نسخه «د»: تفسیر سورة حمد به شماره ۲۵۶۵ موجود در کتابخانه مجلس که شامل قصیده تاریخ بنای قلعه صالح آباد بود. <۵> نسخه «ه»: قسمتی از قصیده ای که داعی دزفولی در مورد تجدید بنای بند میزان گفته بود نیز در کتاب فائق البیان موجود در کتابخانه ملی تهران یافت شد که در تصحیح آن قصیده از نسخه مزبور نیز بهرمنند شدیم. <۶> نسخه «و»: دو غزل نیز از جنگ اشعار موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۸۵۵۳ به دیوان منضم شد.

نکاتی در خصوص نسخه شناسی دیوان داعی حائز اهمیت است. در گذشته مولفین ابتدا بر روی کاغذ مطالبشان را نوشته و سپس به صحافی می دادند تا اوراقشان شکل کتاب را به خود بگیرد. برخی نیز در کتاب های از پیش آماده مطالبشان را

می نوشتند. نسخه های دیوان داعی از نوع اول بوده است و متأسفانه اوراق هر دو نسخه (ملک و کتابخانه انصاری) در صحافی که در گذشته صورت گرفته است جابجا شده است و اثر این جابجایی پراکنده بودن اشعار بوده به طوری که یک قصیده از میان ناقص بود و ادامه اش را از طریق رکابۀ صفحه تشخیص داده و آن را به طور مثال - در ده یا بیست صفحه بعد پیدا کرده ایم. این امر باعث شد که کار تصحیح دیوان داعی به طول بینجامد.

نکته دیگر این که به دلیل کوششی بودن برخی اشعار داعی دزفولی، وی به جای برخی ابیات یا مصرع ها یک مصرع یا بیتی را پیشنهاد داده است و آن را در حاشیه نسخه به نام «نسخه بدل» آورده است. این شیوه در هر دو دیوانی که اساس کار قرار گرفته بودند وجود داشت و با توجه به این امر این گونه ابیات را به عنوان نسخه بدل در پاورقی آورده شد.

از دیگر اغلاط موجود در نسخه می توان به بکارگیری غلطهای املائی اشاره نمود. به طور مثال در اکثر موارد از کلمه «رذل» به صورت رزل آورده است که طبیعتاً مصححین صورت صحیح را ضبط نمودند. از دیگر مسائل مرتبط با رسم الخط می توان به تغییر «چه» به «چو» در نسخه اشاره نمود.

از ویژگی های رسم الخطی نسخه های دیوان داعی می توان به تمامی ویژگیهای رسم الخطی نسخه های دوره قاجاریه از قبیل چسبیدن حرف «ب» به کلمات بعدی، چسبیدن می به افعال اشاره نمود. در جای جای نسخه اوراق سفید و بیاض باقی مانده که عمداً توسط مولف یا کاتب اینچنین باقی مانده است.

نظر به اینکه اشعار موجود در نسخه های ملک و کتابخانه آیت الله العظمی انصاری (ره) در برخی موارد با هم اشتراک داشته و در برخی موارد اختصاص به یک نسخه از دیوان داعی (ملک یا انصاری) داشتند مصحح از این روش استفاده کرد که در

زیر هر عنوان نام نسخه ای را که شعر بر اساس آن آمده بود ذکر نمود. و آنرا در میان
 ◇ قرار داد.

در خاتمه بر خود فرض می دانیم از مساعی و همت والای آقایان حجت الاسلام و
 المسلمین آقا شیخ منصور انصاری-حفظه الله تعالی- و آقا شیخ محمدحسن انصاری-
 دامت تأییداته- و آقا سید محمد داعی-متصدی بقعه سید عبدالله داعی- و سرکار خانم
 فریده داعی نژاد کمال امتنان و قدردانی به عمل می آید.

والحمد لله اولاً و آخراً

محمد حسین حکمت فر حسین نصیر باغبان

منابع و مأخذ:

۱. ادبیات در خوزستان، سید صدرالدین ظهیرالاسلام زاده، مجله ارمغان، شماره ۵، سال ۱۳۰۵ شمسی
۲. جام جم، فرهاد میرزا قاجار، چاپ سنگی
۳. سلسله النسب صفویه، پیرزاده ابدالی حسین، به کوشش ادوارد براون، برلین، چاپخانه ایرانشهر، ۱۳۴۳
۴. عرفان و سلوک اسلامی، کمالی دزفولی، تهران، چاپخانه رودکی، ۱۳۶۸
۵. عهد حسام، محمود میرزا قاجار، به کوشش ایرج افشار، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۰
۶. فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک، محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، با همکاری محمدباقر حجّتی و احمد منزوی، کتابخانه ملی ملک، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱، جلد نهم
۷. مجمع الابرار و تذکرة الاخیار، نظیری دزفولی حبیب الله، قم، چاپ اول، ۱۳۷۰
۸. مجمع الفصحاء، رضا قلی خان هدایت، به کوشش مظاهر مصفا، امیر کبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲، جلد چهارم
۹. مصطفی خراب، احمد قاجار، به کوشش عبدالحسین خیامپور، تبریز، ۱۳۴۴